

روایهائی که می آیند



۱۳ آدمکش



13 Assassins

■ تاکاشی می ایکه، اکشن‌ساز مشهور ژاپنی و سازنده آثار ترسناک و دلپره‌آور، این بار در ژانر «جبدای گکی» سینمای ژاپن که به داستان سامورایی‌ها می‌پردازد، فیلم خشن دیگری ساخته است. در ژاپن عصر فئودالیسم، ارباب خونخوار و سادیستی زندگی می‌کند که از حمایت بی‌چون و چرای برادر کوچک‌تر، شوگان برخوردار است. وقتی سیاستمداران از قدرت گرفتن این فئودال وحشی بیمناک می‌شوند، مخفیانه یک سامورایی را مامور کشتن او می‌کنند. او و ۱۲ سامورایی دیگر را با خود همراه می‌کند تا از درغلندین کشورش به‌روطه یک جنگ خونین جلوگیری شود. کاجو یا کوشو، تاکایوکی یامادا و هیروکی ماتسوکاتا از بازیگران این محصول مشترک ژاپن و انگلستان هستند که نسخه بین‌المللی آن با زمان ۱۲۶ دقیقه و درجه‌بندی R به نمایش درآمده است.

شادی من



MyJoy (Schastyemoe)
■ این محصول مشترک آلمان، اوکراین و هلند که سال گذشته در بخش مسابقه جشنواره کن و چندین جشنواره دیگر از جمله کارلوویواری، ملبورن، دوبی، سائوپولو و استکهلم حضور داشت و برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ایروان شد، هفته جاری در جشنواره بین‌المللی فیلم سافرانسیسکو به نمایش درآمد و به صورت محدود در آمریکا روی پرده رفت. چند روز از زندگی یک راننده کامیون در این درام به کایوس بی‌پایانی از خشونت و دخالت مقاماتی که از قدرت خود سوءاستفاده می‌کنند، بدل می‌شود. این اولین فیلم داستانی سری گئی لوزنیتسا، نویسنده و کارگردان اوکراینی متولد بلاروس است که قبلاً با مستندهای متعدد خود جوایز چندین جشنواره رادرو کرده است. ویکتور نمتش، ولاد یوافف و اولهاشو الووا از بازیگران فیلم ۱۲۷ دقیقه‌ای «شادی من» هستند.

همدری با دلشیش



Sympathy for Delicious
■ اولین تجربه کارگردانی مارک رافالو، بازیگر «زودیاک» و «جزیره شاتر»، سال گذشته برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ساندنس شد. همدری با دلشیش»، کمدی ادرامی است درباره یک دی جی افلیچ که بعد از تلاش برای زنده ماندن در خیابان‌های لس‌آنجلس و آشنا شدن با کشیشی که او را وارد دنیای آیین‌های شغفای بیماران از طریق معنوی می‌کند، به یک شفادهنده درهای دیگران بدل می‌شود و البته نمی‌تواند درد خود را درمان کند. او بعد از بی‌بردن به توانایی‌های خود، از آنها در جهت رسیدن به شهرت و ثروت سوءاستفاده می‌کند. مارک رافالو، جولیت لوییس، او رلان دیلوم، لورا الینی و کریستف تورتین در حضور دارند. زمان نمایش این فیلم ۹۶ دقیقه است.

من همین هستم



سینمای جهان

گفت‌وگوی اختصاصی شرق با کارگردان فیلم «شادی من» نامزدنخل طلای جشنواره کن

تصمیم اخلاقی در شرایط غیر اخلاقی

رضاتجوییدی

«شادی من» به کارگردانی سرگئی لوزنیتسا، منتخب بخش مسابقه جشنواره کن ۲۰۱۰ و نامزد دریافت جایزه نخل طلای این جشنواره که در چندین جشنواره بین‌المللی دیگر از جمله کارلوویواری، هامبورگ، ملبورن، نیویورک، سانفرانسیسکو، سائوپولو، دوبی، هنگ کنگ، ایروان و استکهلم حضور پیدا کرده، در نوع خود فیلمی جسورانه است، جسورانه‌از آن لحاظ که واقعات جامعه روسیه را بی‌پرده نشان می‌دهد؛ جامعه‌ای که فساد و باندهای مافیایی در آن ریشه دوانده‌اند. فیلم در نهایت این سوال را در ذهن مخاطب باقی می‌گذارد که آیا برای این جامعه، راه‌حلی جز آنچه راننده سرخورده داستان در پیش گرفت، وجود دارد؟ قهرمان فیلم، راننده‌ای است که در طول مسیر با افراد مختلفی روبه‌رو می‌شود، از یک کهنه‌ساز معلول شده در جنگ تا نوجوانی که در خیابان زندگی می‌کند و پلیس تبهکار. مسیری که به اشتباه در پیش می‌گیرد، او را وارد زندگی جدیدی می‌کند و تأثیر پذیرفتن‌اش از واقعات‌های تلخ جامعه در نهایت او را وامی‌دارد تا یک تنه علیه آن اقدام کند. کارگردان فیلم، برخاسته از موج نوسینمای اروپای شرقی، جامعه مدرن روسیه را به شیوه‌ای ثنورنالیستی به چالش کشیده است. لوزنیتسا در جشنواره بین‌المللی فیلم دوبی، در سالن نمایش فیلم به همراه بازیگر مرد نقش اول، ویکتور نمتش، حضور دارد. هنرمندی آرام، مؤدب و فروتن است که دغدغه‌های اجتماعی و هنریش را صادقانه با مخاطب در میان می‌گذارد و همین ویژگی اجازه می‌دهد که به راحتی با او گفت‌وگو کنیم.

بازیگری، همه این عناصر تاحد ممکن به مستند نزدیک هستند.

سال ۲۰۱۰فیلم‌شمارد جشنواره کن و پس از آن در چند جشنواره دیگر هم به نمایش در آمد، بر خورده منتقدان سینمایی و نیز مخاطبان نسبت به فیلم چگونه بوده است؟

برای من افتخار بزرگی بود که «شادی من» را برای اولین‌بار در کن نمایش دادم. کن بهترین جشنواره سینمایی دنیاست، این جشنواره جایی است که هنر سینما در آن مهم‌ترین جایگاه را به خود اختصاص می‌دهد و (حضور در این جشنواره) یک تجربه منحصر به فرد و فراموش نشدنی است. «شادی من»

همچنین به دهه‌ا جشنواره دیگر در سراسر جهان سفر کرده است، از بوسان تا دوبی و از کی‌یف تا رسیف. در بسیاری از کشورها هم قرار است اکران شود؛ از جمله در فرانسه، آلمان، روسیه، آمریکا و پرتغال.

در جلسه پرسش و پاسخ پس از نمایش فیلم تماشاگری شکایت داشت که چرا نام فیلم را «شادی من» (MyJoy) گذاشته‌اید چون او به اشتباه تصور کرده که با یک فیلم

نگاهی به فیلم «شادی من»

قلب تاریکی جامعه بشری

آلیسا سایمون

ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



ماجرای فیلم چقدر با واقعیت‌های امروز جامعه انطباق دارد؟ آیا اغراقی هم در کار بوده است؟

«شادی من» یک فیلم داستانی است و داستانش تخیلی است. هر فیلمی را کارگردان می‌سازد و فیلم فانتزی و ساختگی است. فیلم کاملاً ذهنی است، آنچه تماشاگر درک می‌کند، هم کاملاً ذهنی است.

برخورد منتقدان و تماشاگران کشور خودتان نسبت به ماجرای این فیلم چه بوده است؟ آیا واکنش آنها با هم فرق داشت؟

برخورد نسبت به فیلم در روسیه بسیار پر شور بود. فیلم باعث اختلاف نظر میان منتقدان و مردم شد. ظاهر این فیلم بحث و جدل زیادی به راه انداخت.

پروژه بعدی شما چیست؟ آیا باید منتظر فیلمی مستند از شما باشیم یا یک اثر داستانی دیگر؟

پروژه بعدی من «در مه» نام دارد که یک فیلم بلند بر اساس رمانی از واسیلی بیکف، نویسنده بلاروس است. داستان فیلم در جریان جنگ جهانی دوم در بلاروس تحت اشغال آلمان اتفاق می‌افتد. شخصیت اصلی به اشتباه متهم می‌شود که با دشمن همکاری کرده است و دو پارتیزان به جنگل می‌روند تا از او انتقام بگیرند. به‌طور خلاصه این فیلم را درام مردی که «سعی می‌کند در شرایط غیر اخلاقی تصمیمی اخلاقی بگیرد» توصیف می‌کنم. برنامه‌ریزی کرده‌ام تا در ماه سپتامبر (شهریور) ۲۰۱۱ در لاتویا فیلمبرداری را شروع کنم.

در پایان می‌خواستم بدانم که چقدر با سینمای ایران آشنایی دارید؟

به نظر من ایران چندین فیلمساز برجسته دارد. می‌توانم از عباس کیارستمی، مجید مجیدی و فیلمسازان مشهور و معتبر دیگری نام ببرم. من تقریباً همه فیلم‌های آنها را دیده‌ام. سعی می‌کنم فیلم‌های ایرانی جدید را ببینم و فکر می‌کنم سینمای معاصر ایران آینده درخشانی خواهد داشت.

بسیار متشکرم از وقتی که برای این مصاحبه در اختیار من قرار دادید.

است و تعداد سرگیجه‌آوری از شخصیت‌های تازه در این میان معرفی می‌شوند. رفتار وحشیانه‌ای که در دومین سکانس فلش بک به جنگ جهانی دوم دیده می‌شود، بعد از جلسه نمایش برای ران‌نامه‌نگاران در جشنواره کن به جنجال و بحث و جدل‌های بسیار دامن زد. فیلم در لحظات پایانی به یک دیابره بسته می‌رسد و تا حدی نشان می‌دهد که چرا کارگردان و تهیه‌کنندگان نتوانسته‌اند در روسیه کسی را برای سرمایه‌گذاری روی این فیلم پیدا کنند. بزرگ‌ترین دستاورد لوزنیتسا این است که سبکی بصری برای نمایش واقع‌گرایی تشدید شده به وجود آورده و در تمام‌های فیلم آن را حفظ کرده و این امر باعث باورپذیر و مؤثق به نظر رسیدن صحنه‌هایی می‌شود که در غیر این صورت ممکن بود بخشی از فیلمی ترسناک یا صحنه‌هایی از رؤیا تلقی شوند. لوزنیتسا در این فیلم از فیلمبرداری وایدا سکرین و حرکت‌های روان دوربین اولگ موبتوهر برده است. این فیلمبردار متولد مولداوا که یک چهره کلیدی در فیلمبرداری آثار موج نوی سینمای رومانی («مرگ آقای لازارسکو» و «چهار ماه، سه هفته و دو روز» محسوب می‌شود، در همان حال که جریان پیوسته‌ای از وحشت در فیلم اوج می‌گیرد، کاری می‌کند که کنش‌های داستانی بسیار دقیق و ناتورالیستی به نظر برسد. گروه بازیگران فیلم ترکیبی است از بازیگران حرفه‌ای بین‌المللی و نابازیگران اوکراینی که بازی کردن آنها اصلاً به چشم نمی‌خورد. عوامل فنی فیلم کاملاً حرفه‌ای هستند و کارشان را با دقت تمام انجام داده‌اند.

منبع: ویرایتی

تازه‌چه‌خبرد کتر چون؟

حکمرانی بر سیاره بیگانگان



«الیسیوم» را نایل بلو کمپ، فیلمساز متولد آفریقای جنوبی که دو سال پیش «ناحیه ۹» را در بخش بهترین فیلم مراسم اسکار داشت، کارگردانی می‌کند. داستان فیلم حدود ۱۰۰ سال بعد اتفاق می‌افتد و لابد در آن شاهد استعاره‌هایی از دنیای فعلی خودمان خواهیم بود. در این فیلم که تولیدش در تابستان در ونکوور و مکزیک آغاز خواهد شد و قرار است در سال ۲۰۱۳ اکران شود مت دیمون، ویلیام فیچنر، شارلوتو کاپلی –بازیگر «ناحیه ۹»– و واگنر مورا –بازیگر برزیلی دو فیلم «یگان ویزه»– نیز حضور دارند. از جودی فاستر تا چند روز دیگر فیلم «بیدستر» به‌روی پرده خواهد رفت، فیلمی که خودش کارگردانی و در کنار مل گیسن در آن بازی کرده است. همچنین «کشتار»، فیلمی از رومن پولانسکی که فاستر همراه با کیت وینسلت، کریستف والتز و جان سی رابلی در آن بازی کرده، اکنون آماده‌نمایش است.

خدا حافظی غم‌انگیز پل گرینگرس



جوئل شوماخر در کتدو



خانه امن تکمیل شد

